

در میانه دهه ۱۹۶۰، «بن بین‌الملل» دارای ۷۶ مرکز در ۵۵ کشور بود و از سوی یونسکو به عنوان سازمانی که بزرگ‌ترین جامعه نویسندگان را در سراسر جهان در بر داشت به رسمیت شناخته شده بود.

وظیفه این انجمن، که در اساننامه آن تثبیت شده بود، شامل این تعهد می‌شد که تحت هیچ شرایطی خود را درگیر «سازمان سیاست‌های دولتی یا حزبی» نکند. همین امتناع از تن دادن به جانبداری یا جهت‌گیری‌های حزبی، در کنار دفاع استوار از آزادی بیان بود که گسترش جهانی پن را در سال‌های جنگ سرد تضمین کرد.

اما حقیقت این است که سازمان سیا از هیچ تلاشی فروگذار نکرد تا پن را به ابزاری در خدمت منافع دولت آمریکا بدل کند و «کنگره آزادی فرهنگی»، ابزار طراحی‌شده برای این منظور بود. «کنگره» مدت‌ها بود که به پن علاقه نشان می‌داد، با وجود آنکه از تور کستلر در یک سخنرانی تند گفته بود این انجمن توسط یک مشت «احق» اداره می‌شود که نگران هستند «ماهیت کارزار آزادی فرهنگی دامن‌زدن به جنگ سرد باشد».

در آغاز، تلاش‌های کنگره معطوف به دور نگه داشتن نمایندگان بلوک شرق از پن بود، از این ترس که کمونیست‌ها بخواهند به سازمان نفوذی کرده و بر منازراتش تأثیر بگذارند.

ناباکف در ۱۹۵۶ به ریچارد کراسمن نوشت: «ما حاضرم با نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان روس گفتگو کنیم، اما نمی‌خواهیم به جای آنان با بوروکرات‌ها (نویسندگان و روشنفکران حکومتی!) با مأموران رسمی شوروی (نویسندگان قلم به مزد) ملاقات و گفت‌وگو کنیم.^۱ متأسفانه… ما اغلب با آن دسته از نویسندگان] مواجه می‌شویم که مشابه بوروکرات‌های مطیع و پلیس‌مآب شوروی (با نگاهی سنتی، شانه‌های چهارگوش، کت سرمه‌ای و شلوارهای گشاد) اوابسته‌ا هستند، همان‌هایی که می‌خواهیم از آنان پرهیز کنیم.»

کنگره که به‌درستی نگران بود این دغل‌سازان (نویسنده‌نماها) را بیرون نگه دارد، با دیوید کارور، دبیر پن، با موفقیت ارتباط برقرار کرد. وقتی در ۱۹۵۶ این خبر به جوسلسون رسید که کمونیست‌ها برنامه دارند تا در کنفرانس پن سال بعد در ژاپن «یک تلاش بزرگ» انجام دهند، او به آسانی کارور را متقاعد کرد که «توپخانه سنگین» کنگره (شامل «سیلونه، کستلر، اسپندر، میلوش و غیره») باید برای مقابله به میدان آورده شوند. جان هانت که خود عضو پن بین‌المللی بود (پس از انتشار

ارتباطات بوتسفورد با کنگره آزادی فرهنگی و در ادامه، ارتباطات آن سازمان با دولت ایالات متحده، این ترس را در آنان ایجاد کرده بود که آمریکایی‌ها قصد دارند کنترل پن را در دست بگیرند. و حق با آنان بود.

این کیت بوتسفورد بود که در سال ۱۹۶۵ به آرتور میلر تلفن زد و گفت می‌خواهد به همراه دیوید کارور به دیدنش بیاید.

میلر که در آن زمان در پاریس بود، بوتسفورد را دورادور از طریق «توبل

تنش‌زدایی اخیر، مستلزم تلاش‌های تازه‌ای برای تحمل اختلافات شرق و غرب بود که پن هنوز تجربه آن را به دست نمی‌کتم انتظار داشتند که من این کار را

بکنم. یکی از اولین کسانی که درباره پن با من تماس گرفت-اسمش را الآن یاد می‌نست-اما مردم بعدها درباره او می‌گفتند، «چرا، آن مرد هم‌اش جاسوس بود، حالا من هیچ مدرکی برای آن ندارم، شایعه بود.»

آمریکایی‌ها یک رئیس آمریکایی برای پن PEN می‌خواستند و در آستانه

در حقیقت، کارور تمام تلاش خود را به کار بست تا «جان اشتاین‌بک» (برنده جایزه نوبل ادبیات ۱۹۶۲) را برای این مقام به دست آورد، اما او هرگز حاضر به پذیرش نشد و میلر گزینه دوم بود. از نظر فرانسوی‌ها، هیچ یک از این دو نامزد مناسب نبودند. آنان به هر قیمتی می‌خواستند آمریکایی‌ها را از این موقعیت دور نگه دارند.

به محض اینکه از قصد کارور برای یافتن یک نامزد آمریکایی آگاه شدند، پن PENفرانسه یکی از اعضای خود به نام «میکل آنخل استوریاس»،رمان‌نویس بزرگ آمریکای لاتین- و عضو مرکز فرانسوی پن PEN، را پیش کشید. جوسلسون با لحنی آکنده از تنفر از او با عنوان «آستوریاس، آن اسب جنگی قدیمی نیکاراگونه‌ای و یارغار کمونیست‌ها» یاد کرد و با لحنی حاکی از اضطراب برای مانس اسپریر، که در آن زمان در پاریس زندگی می‌کرد، نوشت و از او درخواست کرد تا با اندره مارلو، وزیر فرهنگ دوگل و دوست دیرین کنگره، تماس بگیرد و جلوی نامزدی آستوریاس را بگیرد.

اسپریر تردید داشت و در پاسخ نوشت که وزارت فرهنگ، ارتباطی با PEN، که یک سازمان مستقل است، ندارد. اما جوسلسون پافشاری کرد و به اسپریر گفت که چیزی کمتر از اعتبار فرانسه در خطر نیست و به همین دلیل دولت قطعاً علاقه‌مند خواهد بود.

جوسلسون ادعا کرد که اگر آستوریاس انتخاب شود، «یک فاجعه» خواهد بود زیرا چنین انتخابی به معنای «پایان کار دوست ما کارور» است.

کارور، با پشتیبانی کامل دوستان آمریکایی‌اش، به پیگیری انتخاب نامزد مورد نظر خود ادامه داد و درآوریل ۱۹۶۵ نامه‌ای سرگشاده و هشت‌صفحه‌ای برای اعضای پن PEN در فرانسه نوشت.

او در این نامه مشروعیت نامزدی فرانسوی‌ها را زیر سؤال برد، مرکز فرانسه را به تحریف واقعیت‌ها متهم کرد و آستوریاس را فردی معرفی کرد که فاقد هر گونه صلاحیت لازم برای ریاست بین‌المللی این سازمان است.

جوابیه اعتبار خود را تا حدودی از دست داد و خود نیز مورد نقد و تشکیک حوزویان قرار گرفت.^{۱۱}

۲- ۳. نقد شیخ عباس محمدعلی

همت آبادی

شیخ محمدعلی همت‌آبادی از علمای ساکن تهران، کتابچه‌ای ۲۰ صفحه‌ای با قطع رقعی در سال ۱۳۶۴ قمری نوشت. جوابیه وی با عنوان «رساله پاسخنامه اسلامی: رد بر اسرار هزارساله» توسط چاپخانه علمی به چاپ رسید.^{۱۲}

مرحوم خالصی‌زاده مدت کوتاهی در میانه انتشار نقدهایش علیه اسرار هزارساله از تبعید رضاخانی رها شد.^{۱۳}

۲- ۲. نقد شیخ عباس صفایی حائری

مرحوم شیخ عباس صفایی حائری، امام جماعت مسجد نو قم (پدر مرحوم شیخ علی صفائی معروف به عین‌ صاد، نیز جوابیه‌ای بر کتاب اسرار هزارساله نوشت که به‌صورت پاورقی در روزنامه استوار قم (به صاحب امتیازی و مدیریتسنوولی اوفاضل طهماسبی) منتشر شد.^{۱۴}

مرحوم شیخ عباس صفایی حائری، امام جماعت مسجد نو قم (پدر مرحوم شیخ علی صفائی معروف به عین‌ صاد، نیز جوابیه‌ای بر کتاب اسرار هزارساله نوشت که به‌صورت پاورقی در روزنامه استوار قم (به صاحب امتیازی و مدیریتسنوولی اوفاضل طهماسبی) منتشر شد.^{۱۵}

مرحوم شیخ عباس صفایی حائری، امام جماعت مسجد نو قم (پدر مرحوم شیخ علی صفائی معروف به عین‌ صاد، نیز جوابیه‌ای بر کتاب اسرار هزارساله نوشت که به‌صورت پاورقی در روزنامه استوار قم (به صاحب امتیازی و مدیریتسنوولی اوفاضل طهماسبی) منتشر شد.^{۱۶}

مرحوم شیخ عباس صفایی در برخی موضوعات (مانند استخاره) نظریات حکمی‌زاده را پذیرفته بود، با انتشار این «اسلام سلفی»^{۱۷}

پاورقی

Research@kayhan.ir

کیمیا

در میانه دهه ۱۹۶۰، «بن بین‌الملل» دارای ۷۶ مرکز در ۵۵ کشور بود و از سوی یونسکو به عنوان سازمانی که بزرگ‌ترین جامعه نویسندگان را در سراسر جهان در بر داشت به رسمیت شناخته شده بود.

وظیفه این انجمن، که در اساننامه آن تثبیت شده بود، شامل این تعهد می‌شد که تحت هیچ شرایطی خود را درگیر «سازمان سیاست‌های دولتی یا حزبی» نکند. همین امتناع از تن دادن به جانبداری یا جهت‌گیری‌های حزبی، در کنار دفاع استوار از آزادی بیان بود که گسترش جهانی پن را در سال‌های جنگ سرد تضمین کرد.

اما حقیقت این است که سازمان سیا از هیچ تلاشی فروگذار نکرد تا پن را به ابزاری در خدمت منافع دولت آمریکا بدل کند و «کنگره آزادی فرهنگی»، ابزار طراحی‌شده برای این منظور بود. «کنگره» مدت‌ها بود که به پن علاقه نشان می‌داد، با وجود آنکه از تور کستلر در یک سخنرانی تند گفته بود این انجمن توسط یک مشت «احق» اداره می‌شود که نگران هستند «ماهیت کارزار آزادی فرهنگی دامن‌زدن به جنگ سرد باشد».

در آغاز، تلاش‌های کنگره معطوف به دور نگه داشتن نمایندگان بلوک شرق از پن بود، از این ترس که کمونیست‌ها بخواهند به سازمان نفوذی کرده و بر منازراتش تأثیر بگذارند.

ناباکف در ۱۹۵۶ به ریچارد کراسمن نوشت: «ما حاضرم با نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان روس گفتگو کنیم، اما نمی‌خواهیم به جای آنان با بوروکرات‌ها (نویسندگان و روشنفکران حکومتی!) با مأموران رسمی شوروی (نویسندگان قلم به مزد) ملاقات و گفت‌وگو کنیم.^۱ متأسفانه… ما اغلب با آن دسته از نویسندگان] مواجه می‌شویم که مشابه بوروکرات‌های مطیع و پلیس‌مآب شوروی (با نگاهی سنتی، شانه‌های چهارگوش، کت سرمه‌ای و شلوارهای گشاد) اوابسته‌ا هستند، همان‌هایی که می‌خواهیم از آنان پرهیز کنیم.»

کنگره که به‌درستی نگران بود این دغل‌سازان (نویسنده‌نماها) را بیرون نگه دارد، با دیوید کارور، دبیر پن، با موفقیت ارتباط برقرار کرد. وقتی در ۱۹۵۶ این خبر به جوسلسون رسید که کمونیست‌ها برنامه دارند تا در کنفرانس پن سال بعد در ژاپن «یک تلاش بزرگ» انجام دهند، او به آسانی کارور را متقاعد کرد که «توپخانه سنگین» کنگره (شامل «سیلونه، کستلر، اسپندر، میلوش و غیره») باید برای مقابله به میدان آورده شوند. جان هانت که خود عضو پن بین‌المللی بود (پس از انتشار

انتشار کتاب اسرار هزارساله حکمی‌زاده بازتاب‌های نامطلوبی بین عموم جامعه اسلامی و نخیشان داشت. به دنبال آن، موجی از مخالفت‌ها با این کتاب نویسنده‌اش و نیز مخالفت با جریان سلفی‌اندیش در میان متدینین شکل گرفت. به‌طور مشخص حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه قم، در مقابل این کتاب، دست به تولید آثار تبیینی و دفاعی زدند.

سواقی حوزوی نویسنده و اینکه وی فرزند یکی از عالمان مطرح دینی قم بود، در تشدید فضای منفی علیه او و تحریک احساسات حوزویان مؤثر بود. از نظر بسیاری از روحانیون، این‌ امر به معنای رسوخ اندیشه‌های جریان سلفی و کسروی به درون حوزه‌های علمیه بود که احتمال می‌رفت منجر به بدبینی و انحراف بزرگ در میان طلاب جوان شود. رژیم پهلوی هم گرچه با انتشار این نوع تفکرات موافق بود اما از روی انزوا فکر اسلام ناب را داشت؛ اما برای حفظ خود از نگاه غضب‌آلود مردم مسلمان ایران و نیز برای متهم نشدن به همراهی با حکمی‌زاده و کسروی، مجله پرچم را به‌صورت موقت توقیف کرد.^۱

در پی انتشار اسرار هزارساله، یکی از فرزندان مؤسس حوزه قم در نامه‌ای به مرحوم خالصی‌زاده، از او خواست که قابل تقسیم هستند:

در یک نگاه کلی، واکنش‌ها و نقدهای وارده بر «اسرار هزارساله» در سه بخش قابل تقسیم هستند: یک. صدور بیانیه و اطلاعیه مانند بیانیه انجمن تبلیغات اسلامی. دو. نقد کلی به افکار و رویکردهای انحرافی نویسنده اسرار هزارساله و همفکران او. مانند نقدهای محمد رفیعی و سرمقاله‌های آقای نوربانی که در اکثر سال‌های دهه ۱۳۲۳ به چاپ رسید. برخی از این نقدها به شکل مستقیم و برخی به‌صورت غیرمستقیم، کسروی، حکمی‌زاده و همفکران آنها را نقد می‌کردند.

یک. صدور بیانیه و اطلاعیه مانند بیانیه انجمن تبلیغات اسلامی. این بیانیه‌ها معمولاً در نشریات دینی منعکس می‌شد و در حد خود در افشای انحرافات این جریان مؤثر بود.

دو. نقد کلی به افکار و رویکردهای انحرافی نویسنده اسرار هزارساله و همفکران او. مانند نقدهای محمد رفیعی و سرمقاله‌های آقای نوربانی که در اکثر سال‌های دهه ۱۳۲۳ به چاپ رسید. برخی از این نقدها به شکل مستقیم و برخی به‌صورت غیرمستقیم، کسروی، حکمی‌زاده و همفکران آنها را نقد می‌کردند.

نمی‌توانست به اتحاد جماهیر شوروی تکیه کند و حساب کرد که پشت سر من افراد خودشان می‌توانند گسیل شوند. فکر نمی‌کنم انتظار داشتند که من این کار را بکنم. یکی از اولین کسانی که درباره پن با من تماس گرفت-اسمش را الآن یاد می‌نست-اما مردم بعدها درباره او می‌گفتند، «چرا، آن مرد هم‌اش جاسوس بود، حالا من هیچ مدرکی برای آن ندارم، شایعه بود.»

آمریکایی‌ها یک رئیس آمریکایی برای پن PEN می‌خواستند و در آستانه

در حقیقت، کارور تمام تلاش خود را به کار بست تا «جان اشتاین‌بک» (برنده جایزه نوبل ادبیات ۱۹۶۲) را برای این مقام به دست آورد، اما او هرگز حاضر به پذیرش نشد و میلر گزینه دوم بود. از نظر فرانسوی‌ها، هیچ یک از این دو نامزد مناسب نبودند. آنان به هر قیمتی می‌خواستند آمریکایی‌ها را از این موقعیت دور نگه دارند.

به محض اینکه از قصد کارور برای یافتن یک نامزد آمریکایی آگاه شدند، پن PENفرانسه یکی از اعضای خود به نام «میکل آنخل استوریاس»،رمان‌نویس بزرگ آمریکای لاتین- و عضو مرکز فرانسوی پن PEN، را پیش کشید. جوسلسون با لحنی آکنده از تنفر از او با عنوان «آستوریاس، آن اسب جنگی قدیمی نیکاراگونه‌ای و یارغار کمونیست‌ها» یاد کرد و با لحنی حاکی از اضطراب برای مانس اسپریر، که در آن زمان در پاریس زندگی می‌کرد، نوشت و از او درخواست کرد تا با اندره مارلو، وزیر فرهنگ دوگل و دوست دیرین کنگره، تماس بگیرد و جلوی نامزدی آستوریاس را بگیرد.

اسپریر تردید داشت و در پاسخ نوشت که وزارت فرهنگ، ارتباطی با PEN، که یک سازمان مستقل است، ندارد. اما جوسلسون پافشاری کرد و به اسپریر گفت که چیزی کمتر از اعتبار فرانسه در خطر نیست و به همین دلیل دولت قطعاً علاقه‌مند خواهد بود.

جوسلسون ادعا کرد که اگر آستوریاس انتخاب شود، «یک فاجعه» خواهد بود زیرا چنین انتخابی به معنای «پایان کار دوست ما کارور» است.

کارور، با پشتیبانی کامل دوستان آمریکایی‌اش، به پیگیری انتخاب نامزد مورد نظر خود ادامه داد و درآوریل ۱۹۶۵ نامه‌ای سرگشاده و هشت‌صفحه‌ای برای اعضای پن PEN در فرانسه نوشت.

او در این نامه مشروعیت نامزدی فرانسوی‌ها را زیر سؤال برد، مرکز فرانسه را به تحریف واقعیت‌ها متهم کرد و آستوریاس را فردی معرفی کرد که فاقد هر گونه صلاحیت لازم برای ریاست بین‌المللی این سازمان است.

معرف المحمدیة
کتاب
کشف‌الاستار
جواب بر اسرار هزار ساله
آیت الله خالصی
توضیح بر روی روال
تألیف محمود

تصویر جزوه نقد آیت‌الله‌خالصی‌زاده

با عنوان «کشف‌الاستار» در سال ۱۳۲۲

پا نامه آقای توحیدی به کسروی که منتشرکننده اسرار هزارساله و حامی جدی آن بود.^{۱۵} همچنین به‌عنوان نمونه می‌توان به مواردی همچون «پیام نورالدین به قریش»، «جوابیه انجمن تبلیغات اسلامی در سخن‌پراکنی‌های ضد دینی کسروی»^{۱۶} و «دهوت به مناظره کسروی توسط آیت‌الله سید نورالدین حسینی» اشاره کرد که البته از سوی کسروی مورد توجه قرار نگرفت.^{۱۷} بیانیه انجمن تبلیغات اسلامی در محکومیت کتاب حکمی‌زاده نیز از جمله واکنش‌های حائز اهمیت است. گویا این انجمن قریب به دو ماه جلسات مناظره مکتوبی را پس از انتشار کتاب اسرار هزارساله داشته است.^{۱۸} هرکدام از این جوابیه‌ها به سهم خود در تضعیف گفتمان شبه‌سلفی توفیقانی حاصل کرد اما با این وجود نتوانست پاسخی تمام‌کننده و خدشه‌ناپذیر و همه‌جانبه به ادعاهای حکمی‌زاده و کسروی تلقی گردد و شباهت آنان همچنان در جامعه ایرانی، خصوصاً محافل مذهبی و مجامع نخجگانی گسترش می‌یافت و از این‌رو نگارش جوابیه از سوی امام‌خمینی(ره) به‌عنوان یک تکلیف شرعی تلقی شد و ایشان کتاب ارزشمند «کشف اسرار» را به رشته تحریر درآوردند.

صفحه ۶

شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۴

۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۲۲

کنگره که به‌درستی نگران بود این دغل‌بازان (نویسنده‌نماها) را بیرون نگه دارد، با دیوید کارور، دبیر پن، با موفقیت ارتباط برقرار کرد. وقتی در ۱۹۵۶ این خبر به جوسلسون رسید که کمونیست‌ها برنامه دارند تا در کنفرانس پن سال بعد در ژاپن «یک تلاش بزرگ» انجام دهند، او به آسانی کارور را متقاعد کرد که «توپخانه سنگین» کنگره(شامل «سیلونه، کستلر، اسپندر، میلوش و غیره») باید برای مقابله به میدان آورده شوند.

پس از دریافت رونوشتی از نامه کارور، «لوئیس گالاتیهر»- مبارز کهنه کار جنگ سرد و عضو هیئت اجرایی پن PEN آمریکا، به همکاریش هشدار داد: «حمله فرانسوی‌ها… نه تنها برای جلوگیری از انتخاب یک رئیس بین‌المللی آمریکایی، بلکه برای تصرف دبیرخانه بین‌المللی طراحی شده… من این اقدام فرانسه را نمونه دیگری از غرور بی‌حدی و حصری می‌دانم که مقامات رسمی فرانسه را در برگرفته (چون شک ندارم که این اقدام با تأیید وزارت امور خارجه فرانسه صورت گرفته است).»

اعضای هیئت‌مدیره مرکز آمریکا، علاوه‌بر گالاتیهر، شامل چندین دوست دیگر «کنگره» نیز می‌شد. نام یک عضو به‌طور خاص روی سربزرگ نامه به چشم می‌آمد: «رابی مکاولی».

با حضور مکاولی، سازمان سیا فردی با اختیارات اجرایی در بن آمریکا در اختیار داشت. این بدان معنا بود که وقتی «کورد مه یِر» تصمیم گرفت او را به‌عنوان مامور عملیاتی IOD (واحد سازمان‌های بین‌المللی) برای پن به لندن اعزام کند، علاقه‌ای او به فعالیت‌های این سازمان در آنجا کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید.

با این حال، برای اطمینان از استتار کامل او، مکاولی در طول دو سال اقامت در انگلیس، «بورسیه گوگنهایم» و سپس «بورسیه تحقیقاتی فولبرایت» دریافت کرد. در حضور بوتسفورد و مکاولی در لندن و دریافت کمک‌های مالی کنگره (و به‌طور مستقیم‌تر، صندوق فارفیلد) توسط کارور، سازمان سیا به نفوذ عالی در بن دست یافته بود. در گیر و در نقد بر سر ریاست، کارور و بوتسفورد با قدرت برنامه‌ریزی برای کنگره بعدی پن را پیش بردند که قرار نبود در هفته اول جولای ۱۹۶۵ در بلد یوگسلاوی برگزار شود.

جان هانت موافقت کرد که هزینه اعزام گروهی از نویسندگان برای شرکت در این جلسه را تأمین کند و به کنت دانالدسون، «رئیس حسابرسی» سازمان سیا که مقرر شد در لندن بود، دستور داده شد تا پرداخت هزینه‌ها به پن را از حساب کنگره سازماندهی کند.

فهرست نمایندگان پیشنهادی توسط جان‌هانت تدوین شد، با این شرط که «گسر هر یک از این افراد نتوانند حضور یابند، دبیرخانه کلوب پن باید برای استفاده از این وجه جهت اعزام فرد

پانوشته‌ها:

۱- پرچم دو هفتگی پس از انتشار شماره ۱۲ در نیمه دوم شهریور ۱۳۲۲ توقیف گردید. اقدام برای جلوگیری از انتشار پرچم، ظاهراً با ارسال نامه مورخ ۱۳۲۲/۴/۲۱ش از سوی حسن اسفندیاری مستقیم‌السلطنه، رئیس مجلس شورای ملی دوره سیزدهم، مبنی بر ضد دین بودن پیمان و پرچم به نخست‌وزیر وقت علی سیهیلی، و انعکاس آن در فرمانداری نظامی آغاز شد فرمانداری نظامی مه طی نامه مورخ ۱۳۲۲/۵/۱۱ش به نخست‌وزیر اطلاع داد که به شهرپایی دستور داده شده است تا از انتشار مجله پرچم به علت درج مقالات «خلاف دیانت اسلام» جلوگیری کنند، سرانجام این نامه‌نگاری آن بود که هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۲۲/۴/۲۱ش ۱۷ تشریه و از آن جمله پرچم را تصویب کرد. ر.ک: اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۲-۱۳۲۰)، به: کوشش غلامرضا سلامی و محسن روستایی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۶-۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۷۷.
۲- کتابچه کوچکی به نام «جواب اسرار هزارساله» منتشر شد که روی جلد این کتابچه «چاپ قم» درج‌شده و سایر مشخصات نشر را نداشت و نویسنده آن و تاریخ انتشارش هم معلوم نبود ولی در قطع رقعی در ۲۸ صفحه منتشر گردید. ر.ک: جواب اسرار هزارساله، تمامی صفحات.
۳- شیخ محمدعلی همت‌آبادی از علمای ساکن تهران، کتابچه‌ای را در رد حکمی‌زاده در ۲۰ صفحه قطع رقعی در رمضان المبارک ۱۳۶۴ق (مطابق مرداد ۱۳۲۲) در چاپخانه علمی تهران منتشر کرد. ر.ک: مؤلفین کتب چاپی، ج ۴، ص ۴۴۹-۴۴۸، رساله مؤلفین کتب چاپی، ج ۴، ص ۱۰۶-۱۰۵، ج ۴- جوابیه پاسخنامه اسلامی، تمامی صفحات.
۵- شیخ محمد شیخ عباس صفایی حائری.
۶- شیخ محمد خالصی‌زاده (فرزند مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی‌زاده) زمانی که در تبعیدگاهش در کاشان به سر می‌برد، جوابیه‌ای با نام «کشف‌الاستار: جواب بر اسرار هزارساله» در ۵۶ صفحه نوشت و با سرمایه محمدحسین محمدی اردהالی در چاپخانه تابان در سال ۱۳۲۳ به چاپ رساند. ر.ک: کشف‌الاستار، ص ۱۱، الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱، فهرس التراث، ص ۷۳۴، «هم‌زاد کشف اسرار یا نقدی دیگر بر اسرار هزارساله»، فصلنامه یاد، شماره ۱۲، ص ۱۰۶-۱۰۵، ج ۴- جوابیه فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، بی‌تا، بی‌نا، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۱۶۰.
۱۱- هفتاد سال خاطره آیت‌الله سیدحسین بدلا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۳.
۱۲- محمدعلی همت‌آبادی، رساله پاسخنامه اسلامی: رد بر اسرار هزارساله، طهران، ۱۳۶۴ق، سرب، ر.ک: ص ۱۲- خان‌بابا منشار، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، بی‌تا، بی‌نا، ۱۳۴۱، ج ۴، ص ۴۴۹-۴۴۸.
۱۳- محمد رفیعی، «سلام سلفی: پیش خرید نمودن علی‌اکبر حکمی‌زاده دین اسلام را از احمد کسروی»، ص ۱۵- «رونوشت شماره ۱۳۲۲/۲/۱۸، ص ۴.
۱۴- «رونوشت نامه آقای توحیدی به آقای کسروی»، آیین اسلام، شماره ۱۶، ص ۱۲۳۳/۵، ص ۱۱-۱۶.
۱۵- اسرار هزارساله، طهران، ۱۳۲۲/۷/۷، ص ۱۷ و ۱۲- ۶. همان، شماره ۲(شماره مسلسل ۵۴، ۱۳۲۳/۱/۱۷- ۶-۷- ۱۸- همان، شماره۵، ص ۱۳۲۳/۱/۲۴، ص ۷.

هر کدام از این جوابیه‌ها به سهم خود در تضعیف گفتمان شبه‌سلفی توفیقانی حاصل کرد اما با این وجود نتوانست پاسخی تمام‌کننده و خدشه‌ناپذیر و همه‌جانبه به ادعاهای حکمی‌زاده و کسروی تلقی گردد و شباهت آنان همچنان در جامعه ایرانی، خصوصاً محافل مذهبی و مجامع نخجگانی گسترش می‌یافت و از این‌رو نگارش جوابیه از سوی امام‌خمینی(ره) به‌عنوان یک تکلیف شرعی تلقی شد و ایشان کتاب ارزشمند «کشف اسرار» را به رشته تحریر درآوردند.